

## تبیین فضامندی در بناهای قدسی ایران، نگرشی به محیط داخلی و بیرونی مساجد معاصر، مورد مطالعاتی: مسجدالرضا و مسجد الغدیر تهران

علی مشهدی<sup>\*</sup>

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

### چکیده

هنر قدسی در قلب هنر سنتی پنهان است و به طور مستقیم با حقیقت و رمزپردازی الهی ارتباط دارد، ضمن آن که کالبد معماری قدسی را به ذات نهانی متصل می‌کند. از این رو هدف پژوهش تبیین فضامندی در مساجد دوران معاصر ایران به واسطه عناصر مادی ادراکات حسی در محیط است تا بتواند کیفیت محیط بیرونی مساجد این دوره را تبیین نماید. فرضیه مطرح در نیل به این هدف این است که میان فضامندی و ادراکات حسی رابطه‌ای مستقیم برقرار است و عناصر کالبدی در محیط بیرونی مساجد معاصر ایران موجب شکل‌گیری این فضامندی می‌شوند. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی، با رویکرد فلسفی و استدلال استقرایی و همچنین استفاده از شیوه گردآوری کتابخانه‌ای و میدانی به این نتیجه رسید که فضامندی در مسجد الغدیر و مسجدالرضا تهران بر اساس عناصر فیزیکی واقع در محیط بیرونی، نمادها، فرم و حضور انسان در این فضا، همسو و هم‌اندازه با مجسم نمودن امر مادی می‌باشد و متناسب با حرکت و پویایی در محیط همراه با ادراکات حسی ایجاد می‌شود. در مسجد الغدیر شهر تهران، زائر با فضایی محدود درگیر است و در هیچ لحظه از حرکت در فضا، تجربه‌ی نوینی از حرکت در فضا را حس نمی‌کند. در مسجدالرضا شهر تهران نیز محیط بیرونی این مسجد، به دلیل نوع فرم و مصالح به کار رفته، در جهت بهبود ادراکات حسی زائران از محیط بیرونی و سیر به عالم عرفان ساخته نشده است و از این رو برای زائر همچون مسجد الغدیر تهران، بازنمایی‌ای از محیط عرفانی را به همراه ندارد. بنابراین در مسجد الغدیر تهران و مسجدالرضا تهران، هندسه و حجم‌گرایی اهمیت بیش‌تری را نسبت به قبله در جهت سازماندهی فضایی محیط بیرونی دارند و لذا با حضور در این مساجد، مفهوم سرمدیت و ازلیت به زائران القاء نمی‌شود.

**واژگان کلیدی:** فضامندی، بنای قدسی، ادراکات حسی، مسجد الغدیر تهران، مسجدالرضا تهران.

## ۱. مقدمه

گردند. ادراکی که موجب دریافت حقیقت و معنای عرفان می‌شود؛ اما منتقل نمودن محسوسات به معقولات و مشهودات، از طریق ادراک ذهنی انجام می‌شود و بدین ترتیب زائر با حضور در فضای مسجد و حرکت نمودن در آن به تجربه‌ی گام به گام فضاها می‌پردازد و با معنای و نشانه‌ها ارتباط برقرار می‌سازد (Dori and Talischi 2018). بنابراین، دریافت مفهوم فضا و فضا‌مندی در معماری مساجد، مسئله‌ای ضروری می‌باشد که در مقابل ادراکات حسی در فضا قرار دارد. در راستای تشریح و تبیین چنین مسئله‌ای، پژوهش حاضر به تبیین فضا‌مندی در مساجد دوران معاصر ایران به واسطه عناصر مادی و ادراکات حسی می‌پردازد تا بدین طریق بتواند کیفیت فضایی مساجد این دوره را در محیط بیرونی تبیین نماید. در این راستا این پژوهش بر این فرض استوار است که میان فضا‌مندی و ادراکات حسی رابطه‌ای مستقیم برقرار است و عناصر کالبدی در محیط بیرونی مساجد معاصر ایران موجب شکل‌گیری فضا‌مندی می‌شوند. حال می‌توان سوال نمود: ۱. چگونه فضا‌مندی در محیط بیرونی مساجد معاصر ایران بر ادراکات حسی زائران تاثیر گذاشته است؟ ۲. مولفه‌های تاثیرگذار بر فضا‌مندی در مساجد الغدیر و مسجدالرضا تهران کدامند؟

## ۲. پیشینه تحقیق

از جمله عمده‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون پژوهش حاضر می‌توان به مقاله عبدالهی ملائی (۲۰۱۵) در مقاله خود با عنوان جستاری در تزیینات معماری اسلامی (مطالعه موردی: مسجد گوهرشاد مشهد) اشاره نمود که هنر معمار مسلمان ایرانی در بیان عقاید دین مقدس اسلام در تزیینات قدسی انعکاس یافته است و این امر در غنای تزیینات مسجد گوهرشاد، به وضوح مشاهده می‌شود. سلطانی و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری» دریافتند که دغدغه ایجاد کیفیت مطلوب در فضای معماری، توجه معماران و پژوهشگران این عرصه را به مفاهیم و شیوه‌هایی سوق داده که اصل آن‌ها با اتکاء بر تجربیات بشری و تسلسل هویتی دستاوردهای انسان با نسل‌های پیشین بنیان نهاده شده است. محمدی و فیروزی مجنده (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل فضایی مسجد در شهر اردبیل در دوره معاصر با استفاده از فنون آماری دریافتند که رابطه معنی‌دار مثبتی بین تراکم جمعیت و ارکان تاریخی شهر و توزیع فضایی مساجد وجود دارد. نتیجه این که، توزیع فضایی مساجد در سطح محلات شهر اردبیل به صورت ناهمگون است. در پایان بر مبنای یافته‌ها، پیشنهادهایی برای مکان‌یابی متناسب مساجد ارائه گردیده است. گلستانی و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله خود با عنوان «جستاری در مفهوم پیوستگی فضا و روند تحولات آن در مساجد ایران» با استفاده از روش تحقیق

معماری قدسی و ساخت فضای معنوی در ایران در دوران کنونی با چالش‌های فراوانی روبه‌روست و آنچه ساخته می‌شود در راستای سنت تاریخی ساخت فضای قدسی در ایران قلمداد نمی‌شود. این در حالی است که معماری بناهای قدسی در ایران، یکی از بارزترین مشخصه‌های معماری ایران در طول تاریخ بوده است و در دوران کنونی، تداوم و پیوستگی خود را از دست داده است. از این رو پرداختن به راهکارها و رویکردهای فهم آن سنت و احصای اصول و مبانی بازتولید آن فضا، ضروری به نظر می‌رسد. از دیدگاه هنر قدسی معماری در ارتباط با ارزش‌هایی از جمله: فرا آگاهی در طراحی مکان و فضا، عدالت، شرافت، بخشیدن به ماده گویی که خود ماده سخن می‌گوید، ساخت و ساز بر اساس امری بی‌زمان و در بردارنده مفاهیم اخلاقی همراه با معنویت است (Ardalan and Bakhtiar 2017). همچنین در معماری ویژگی‌های هنر قدسی به گونه‌ای است که بیان معانی و باور به ملکوت را به وسیله هنری انتزاعی (فرم، تزیینات و غیره) ممکن می‌کند (Nasr 2017). و این امر هدایت‌کننده انسان از مرحله نفس به مرحله شهودی بی‌مکان و بی‌زمان تغییر می‌یابد؛ بنابراین معماری قدسی راه تعالی و رشد انسان در فضای خلق شده را ارتقاء می‌بخشد؛ زیرا این امر قدسی و هنر مقدس بیان‌کننده امور متافیزیک به صورت استعاری و ظریف است (Razavipour, Zakeri, and Ejbari 2012). یکی از اصلی‌ترین بناهای قدسی، مساجد هستند (Beheshti 2010). از این رو معماران در ساخت مساجد از اندیشه‌ها، باورها و اعتقادات خود استفاده نموده‌اند و از همین رو مساجد با تأثیر گرفتن از چارچوب اعتقادی، مذهبی و همسو با دستگاه فکری معماران، به دنبال انتقال همان مفاهیم به مخاطبان و معنا بخشی به این محیط‌ها هستند (Mehdinejad 2018). این امر در معماری که تجلی‌گاه صور ذهنی در امر محسوس نیست، یکی از مهم‌ترین بسترهای فضا‌مندی است که از طریق بیان معانی نهفته در ظاهر نمایان می‌گردد (Dadfar, Karimifard, and Dolatabadi 2020). فضا‌مندی نیز به واسطه همین حضور در مساجد شکل می‌گیرد و ویژگی خاص فضایی می‌باشد که چیزی متفاوت از واقعیت عینی و شهودی را به ذهن مخاطب القاء می‌نماید. لذا فضا‌مندی، یکی از معانی فضا‌ست که به تناسب با میزان ادراک حسی مخاطبانش از فضا، پدید می‌آید. حال در روند ادراک و ارزیابی معانی و خصوصاً معانی عرفانی بعضی از فضاها، عوامل بسیاری در نتیجه‌ی قضاوت افراد مؤثر است، از جمله: خصوصیات فیزیکی و عناصر مادی موجود در فضا، عملکرد فضا، شرایط روحی مخاطب فضا و انتظارات مخاطب فضا هنگام ورود و مواجهه با آن (Alavimehr 2014). از طرفی مساجد، دارای نشانه‌ها و معانی بسیاری می‌باشند که می‌بایست به واسطه مراتب عالی‌ه ادراک فضا، از سمت زائران دریافت

مطابق با دیدگاه آرنه‌ایم و دوران کلاسیک دسته‌بندی شده است (Merleau Ponty 2004, 50). به طور تام مفهوم ادراکی انسان، به معنی انسان فطری متکی بر طبیعت و بدون داشتن نظریه نمی‌باشد. در حقیقت کمبود و یا عدم وجود نظریه‌پردازی از سمت خود انسان در رابطه با مفهوم فضا، هر چارچوب نظری را جهت تحلیل ادراک انسان، به عنوان امر بیرونی و بلندشده از درک نوین نشان می‌دهد. همچنین می‌بایست خاطر نشان نمود که فضا در نخستین گفتار، مضمون ادراک آگاهانه‌ی محیط و به دنبال آن شکل‌دهی آن محیط توسط انسان به صورت آگاهانه یا غیر آگاهانه را دارا می‌باشد. از این رو کوشش‌های انسانی که قبل از همه چیز مشروط به حضور در فضا است، فضای عمومی را از حالت کالبدی آغازین و خارج از انسان بیرون می‌کند و در عوض، انسان‌ها را نیز به واسطه‌ی درگیر نمودن در فضا از طریق بسترهای ارتباطی از عکس‌العمل‌های عملکردی برون و به عامل فضایی بدل می‌نماید (Casey 2012, 38).

**۳- فضا‌مندی:** تجربه به معنای آگاهانه، موضوع یک وضعیت یا شرایط بودن یا تحت تاثیر قرار گرفتن آگاهانه از یک رویداد است. همچنین تجربه، عمل زیستن از طریق مشاهده رویدادها است و همچنین به آموزش و دانش و مهارت‌های بعدی به‌دست آمده اشاره دارد. در این میان مفهوم رویداد با تجربه ارتباط تنگاتنگی دارد. نظریه‌پرداز، معمار و مربی مشهور برنارد چومی<sup>۱</sup> معتقد است "هیچ معماری بدون رویداد وجود ندارد". وی بیان می‌دارد که تجربه فضایی نه تنها در مورد فضا، شکل و عملکرد است؛ بلکه رویداد و فعالیت را نیز شامل می‌شود (Tschumi 2012, 63). در این راستا، دیوید لتربارو<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۵ بیان می‌دارد که وقتی کیفیت غیرمنتظره یک تجربه را درک می‌کنیم، آن را یک رویداد می‌نامیم. اندرسون معتقد است که «هرچه پیوند بین افراد، زمینه و نوع فعالیت قوی‌تر باشد، کیفیت تجربه ناشی از فضا افزایش می‌یابد» (Anderson, 2001, 42). از این رو مقایسه بحث‌های اندرسون<sup>۳</sup> و استدلال برنارد چومی مطابق با بحث‌های لیدر بارو در مورد تجربیات فضایی، مفهوم رویداد و ارتباط آن با کیفیت غیرمنتظره از تجربه، دارای وجه تشابه است، به گونه‌ای که مؤلفه‌های اساسی اندرسون، مؤلفه‌هایی است که برنارد چومی در ایجاد تجربه فضایی از آن استفاده نموده است و در این میان فعالیت موثرترین مؤلفه اساسی است. با توجه به مطالب مطرح شده در درک تجربه فضایی، افراد، زمینه و فعالیت به عنوان مؤلفه‌های اساسی در محیط در نظر گرفته می‌شوند و سپس یک تجربه فضایی تعریف می‌شود که افراد را در یک فعالیت خاص در یک زمینه درگیر می‌کند (Tschumi 2012, 66). بر این اساس واژه فضا‌مندی به معنای حضور در فضا، تجربه فضا و ارتباط با آن از طریق کالبد بنا، احساسات و ادراکات مخاطبین است.

**۳- ابعاد فضا‌مندی:** ابعاد فضا‌مندی اگرچه تجربیات فضایی را افزایش نمی‌دهد، اما ممکن است در معماری

استدلال منطقی دریافتند که پس از شکل‌گیری مساجد چهار ایوانی در قرن پنجم، مفهوم پیوستگی فضایی، به سه شکل اصلی که برای اولین بار در این پژوهش با نام «پیوستگی بصری»، «پیوستگی ساختاری» و «پیوستگی ساختاری- بصری» از آن‌ها یاد شده است؛ در روندی رو به رشد قابل رهگیری است. صیاد و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله با عنوان "فضا‌مندی و بدن آگاهی: بازخوانش مفهوم فضا در تجربه‌ی با استفاده از روش تحقیق کیفی با رویکرد فلسفی پدیدارشناسی هرمنوتیک" دریافتند که خوانش پدیداری از تجربه‌ی ادراک از فضا به سه رسته‌ی ادراک تام، درک پویا از فضا به واسطه‌ی حواس و فضا به مثابه امکان شهود قابل تفکیک است. با بررسی پژوهش‌های پیشین مرتبط با پژوهش حاضر، مشخص گردید که تاکنون پژوهشی در راستای فضا‌مندی در محیط بیرونی بناهای قدسی دوره معاصر ایران همسو با کیفیت ادراکات حسی زائران در بازخوانش محیط بیرونی این مساجد انجام نگرفته است و پژوهش حاضر یکی از نخستین پژوهش‌ها در این زمینه است.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

در این قسمت بر اساس مدل مبانی نظری ارائه‌شده مبنی بر ارتباط سه قسمتی مؤلفه‌های کالبدی، فضای قدسی و احساسات و عواطف کاربر، به بسط مفهوم فضا، کیفیت فضای ادراک‌شونده و ابعاد فضا‌مندی پرداخته و سپس هنر قدسی و الگوهای خلق فضای قدسی تشریح گردیده‌اند.

#### ۳-۱- فضا‌مندی و تجربه معمار

**۳-۱- مفهوم فضا:** یکی از ابتدایی‌ترین مفاهیم در حوزه معماری «مفهوم فضا» است. فضا از دیدگاه ارسطو به مجموعه‌ای از مکان‌ها اطلاق می‌گردد و به‌مثابه ظرف کل اشیاء می‌باشد (Zarghami and Behrouz 2014). تجلی کلمه فضا در معماری در اواخر قرن ۱۹ در آلمان آغاز گردید که به دنبال آن، دیدگاه‌های زیباشناختی بیان گردید و با اندیشه‌های گیدین عرضه شد (Bokharayi 2015). مضمون «فضا» به امری گفته می‌شود که کیفیت آن، تحت تأثیر دو عامل انسانی که فضا را درک می‌نماید و کالبدی که در فضا وجود دارد، باشد. معماران و اندیشمندان جهان معماری از گذشته تاکنون تعاریف متفاوتی درباره فضا مطرح نموده‌اند. در بین صاحب‌نظران، تعریفی از فضا که دربرگیرنده‌ی انسان و فضای اطرافش باشد دارای مقبولیت بیشتری است. بدین معنا فضا از تعامل بین محیط و انسان و یا تعامل بین عینیت وجود و ذهنیت تشکیل شده است (Sayad, Gharibpour, and Delsahd Siahkali 2019). لذا در پژوهش حاضر این مفهوم از فضا مدنظر قرار دارد.

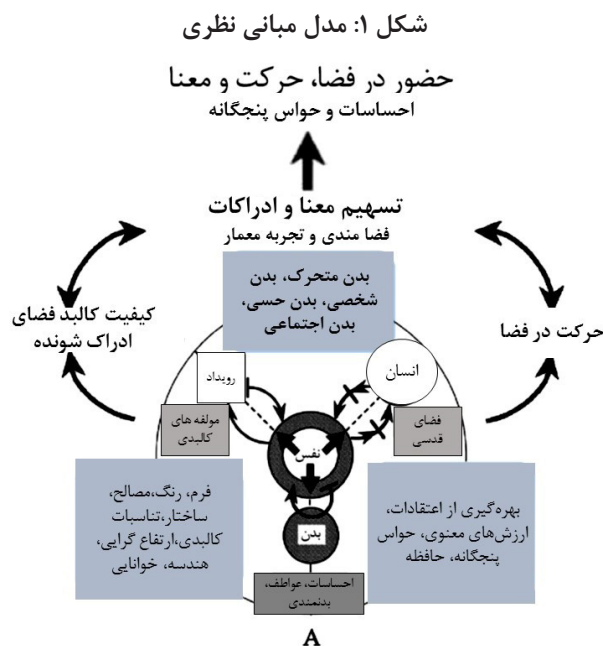
**۳- کیفیت فضای ادراک‌شونده:** فضا به دو دسته «قائم به ذات و یکنواخت و تاثیرگرفته از عناصر درون خود»،

ضرورت‌های زندگی در ارتباط است و سیر معنوی هنرمند و نیازهای روحی استفاده‌کنندگان به وسیله آن محقق می‌شود (Nasr 2015). بنابراین هنگامی که هنر به عنوان هنر قدسی نامیده می‌شود، منظور از آن تنها عادات و رسوم متداول نیست، بلکه منظور صراط روحانی و متافیزیکی آن می‌باشد (Avini 1991). هنر قدسی به شدت تحت تأثیر وحی و مناسک مذهبی قرار دارد و دارای منشاء روحانی و دینی می‌باشد؛ به نوعی که تجلیات متافیزیکی در تمام شئون آن قابل مشاهده است (Mehrpooya 2008). از منظر جهان‌بینی قدسی، در هر چیزی معنایی نهان و مستتر است و مکمل هر صورت خارجی، واقعیتی است که ذات نهانی و درونی آن را شکل می‌دهد (Sattari 2014). معماری قدسی در خلق فضاهای روحانی از نمادها بهره می‌گیرد. نمادها خود تجلیاتی از مطلق در مقیدات هستند (Ardalan and Bakhtiar 2017). در واقع معماری قدسی با کیهان‌شناسی مأنوس و در ارتباط است (Elyadeh 2014). در معماری قدسی، معمار، آفریننده نیست، بلکه وی با اثرش پرده از رخسار حقیقت برمی‌دارد که همانند هنرهای طبیعت‌اند، همزمان کارآیند و کیهانی، و عجیب با اصالت تبیین، که حقیقت را از راه طریقت جستجو می‌کند (Burckhardt 2017). از این رو در کالبد معماری بهترین نمونه تجلی مفاهیم معماری و فضا قدسی را می‌توان در جوهره وجودی مساجد ایرانی- اسلامی پیدا کرد، زیرا مساجد اسلامی، نمونه بارزی از تلفیق فرم‌های نمادین با باورهای عمیق اعتقادی و جلوه‌گر زیبایی‌های بصری است (Ahmadi Maleki 2005).

و تجربیات فضایی کاربرد داشته باشند (Shedroff 2009, 101). از این رو این ابعاد به شش گروه تقسیم می‌شوند: بعد اول مدت‌زمان می‌باشد، دارای چهار مرحله مواجهه، غوطه‌وری، نتیجه‌گیری و ادامه می‌باشد (Dille, Shedroff, and Rhea 2005, 39). بعد دوم، محرک اصطلاحی است که برای توصیف احساسات، تصاویر یا تجربیاتی که باعث ایجاد یک حافظه آسیب‌زا می‌شوند، به کار می‌رود. محرک چیزی است که باعث می‌شود فرد به سمت آسیب‌دیدگی بازگردد و چیزی را ایجاد می‌کند که باعث می‌شود کسی احساس ناراحتی و وحشت کند، زیرا ساخته شده است تا بدی را که در گذشته اتفاق افتاده است به خاطر آورد (Farahvashi 2001). بعد سوم، وسعت، به معنای راه‌های مختلف ارائه تجربه است که رابطه نزدیکی با خدمات (سرویس)، ورودی- خروجی (کانال)، امنیت/ ایمنی و دسترسی دارد (Weinschenk 2011, 41). اهمیت، چهارمین بعد از یک تجربه است که به هویت، کارکرد و معنی در یک محیط ساخته‌شده، اشاره دارد. پنجم تجربه تعامل، در انواع مختلف یعنی منفعل، فعال و تعاملی است (Nodder 2013, 5). آخرین بعد از یک تجربه، شدت است. در طراحی، شدت، اندازه‌گیری ارتباطی است که مخاطب با آن تجربه دارد و کلماتی از جمله: رفلکس، تعامل و مشارکت، ترغیب و اجبار به معنی شدت در نظر گرفته شده است (Shedroff 2009, 101).

### ۳-۲- هنر قدسی و الگوهای خلق فضای قدسی

در تمدن قدسی هرگونه فعالیتی بر پایه اصول الهی است و هنر نیز از آن مستثنی نمی‌باشد و در عین حال هنر با



#### ۴. روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ ماهیت پژوهش، از گونه‌ی تحقیقات کیفی با رویکرد فلسفی و به لحاظ هدف، تفسیری است. لذا نتایج آن، خالص و منطبق پژوهش استدلال استقرایی است. بهره‌مندی از رویکرد فلسفی در پژوهش حاضر بدان جهت دارای اهمیت است که «جهت‌گیری کامل آن بر تمام ادراکات از پدیده‌های معنوی و فرهنگی می‌باشد و درک غایی و غیرقابل تفسیر مجددی از متن امکان‌پذیر نیست؛ از این رو ادراک متن اتمام پیدا می‌کند» (Nowrouz Borazjani and Javadi 2016). ضمناً پژوهشگر به تفسیر معانی موجود در نشانه‌ها می‌پردازد و از آن‌جا که پژوهش حاضر، به حوزه‌ی ادراک ارتباط نزدیکی دارد، ترجیح داده شد از استخراج ناخودآگاه استفاده شود. ضمن آن‌که

در این پژوهش از شیوه گردآوری مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. مطالعات کتابخانه‌ای در راستای رهیافت به مبانی نظری مقاله حاضر انجام گرفت و مطالعات میدانی جهت مشاهده تأثیر عناصر کالبدی مسجد الغدیر و مسجدالرضا تهران بر روی زائران و همچنین عکسبرداری و تحلیل مطابق با استدلال‌های منطقی پژوهشگران انجام گرفت. به منظور سنجش روایی تحقیق از کتب و مقالات معتبر در زمینه فضا‌مندی در بناهای قدسی ایران توسط صاحب‌نظران استفاده شده است. ضمن آن‌که در پژوهش حاضر از دو استراتژی توصیف غنی و عمیق در نگارش و تکثیرگرای میان منابع مختلف استفاده شده است.

#### شکل ۲: ساختار کلی پژوهش



با توجه به این که تجربه‌ی بیان گشته زائران و صاحب‌نظران، از طریق «فضا‌مندی محیط بیرونی» مطرح می‌گردد؛ لذا اصلی که در این‌جا ضروری و نیازمند توجه می‌باشد، ادراک معماری و باز زنده‌سازی آن نه به عنوان کالبدی بدون روح از مصالح، بلکه به عنوان زمینه‌ای جهت به وجود آمدن برهمکنش و آسان نمودن ادراک انسانی از فضایی که مطابق اختیار خودش و یا بالاجبار در تجربه‌ی آن دخیل می‌گردد. معماری بدون انسان و بدون ادراک و فهم انسان از آن، جز فضایی اشغال‌گشته در مرزهایش چیز دیگری نمی‌تواند باشد. بنابراین کنکاش تحلیلی و فلسفی نگارندگان در پروسه‌ی فضا‌مندی در محیط بیرونی این مساجد و ادراک محیط آن، از دل زائران بیرون کشیده شده است. در پژوهش کیفی، فهم و درک پدیده از کلام و رفتار مخاطبانی می‌باشد که فضا را بدون واسطه تجربه نموده‌اند و ادراک خود را با محقق در میان می‌گذارند. زیرا مخاطب با ورودش در فضا، آن را به معنا تبدیل می‌کند

و این معنا را به عنوان خاطره در ذهنش می‌سپارد. در این راستا می‌بایست اذعان نمود که تجربه‌ی زیسته‌ی به سخن درآمده‌ی مخاطبان مسجد الغدیر و الرضا، بیش‌تر نشان‌دهنده تکه‌هایی از نوع و شیوه حیات اجتماعی آن‌ها در بستری بزرگ‌تر است.

#### ۵. معرفی و بررسی نمونه‌ی مطالعاتی

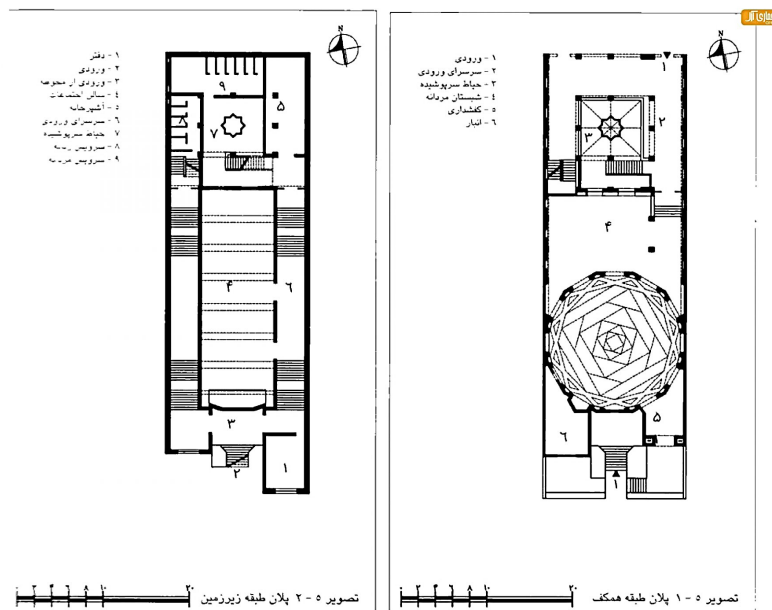
این پژوهش تلاش می‌نماید تا بر طبق برداشت‌های ذهنی، تفاسیر و تعاریف صاحب‌نظران از مفهوم فضا‌مندی در بناهای قدسی، (بالاخص مساجد دوران معاصر در شهر تهران)، به باز‌نمایی این مفهوم، به مثابه منبع الهامی برای بازتعریف فضای قدسی معمارانه در فضا‌مندی محیطی بپردازد. بدین منظور مسجد الغدیر و مسجدالرضا تهران به عنوان نمونه‌ی موردی در این پژوهش انتخاب شده است و برای تحلیل یافته‌ها از شیوه‌ی تحلیل مضمونی مرسوم استفاده شده است.

## ۵-۱- مسجد الغدير

مذکور، گنبدخانه به لحاظ وسعت، ارتفاع و تزئینات، به نحو چشم‌گیری از دیگر فضاها متمایز گشته است. انتخاب قاعده کثیر الاضلاع نزدیک به دایره در گنبدخانه، فضایی بدون جهت را به‌وجود آورده است. این کیفیت فضایی با سوابق گنبدخانه‌های مساجد تاریخی متفاوت است. این فضا به طور عمده یادآور فضاهای بین‌راهی و آرامگاهی در معماری ایران است. حجم ۱۲ وجهی گنبدخانه در سطوح بالاتر فضای داخلی به یک ۲۴ وجهی بدل گشته که در نیمی از وجوه آن طاق نماهای کشیده با قوس جناغی ایجاد شده است (شکل ۴). محراب گنبدخانه نیز در داخل یکی از طاق‌های جناغی جای گرفته و وجوه کوچک‌تری از طاق نماهای کشیده و باریک اطراف آن را فرا گرفته‌اند. سقف گنبدخانه در فضای داخلی از شش لایه تشکیل شده که در جداره‌های هر لایه، کتیبه‌ای به خط کوفی با آجر و کاشی نگاشته شده است و سطوح افقی زیرین لایه‌ها با مهرهای خطی از جنس کاشی و آجر پوشیده شده‌اند (شکل ۵).

مسجد الغدير با طراحی جهانگیر مظلوم یزدی بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۶ خورشیدی در سائیتی مستطیل شکل به ابعاد ۱۵.۲\*۵۵ متر ساخته شده است (شکل ۳). عواملی از جمله فشردگی سایت و ساختمان‌های اطراف، معمار را بر آن داشت تا گنبدخانه مسجد را رو به جنوب و به سمت بلوار میرداماد و فضاهای عمومی را رو به سمت شمال قرار دهد. حجم اصلی مسجد فاقد عقب‌نشینی زیاد نسبت به خیابان اصلی جنوبی بوده و به صورت منشوری ۱۲ وجهی به ارتفاع ۲۰ متر از ساختمان‌های اطراف خود متمایز شده است. در حالی که نمای سه طبقه ساختمان از سمت شمال حتی المقدور شبیه به ساختمان‌های اطراف طراحی شده است. فضاهای اصلی مسجد در طبقه زیرزمین مشتمل بر سالن اجتماعات، فضاهای خدماتی و وضوخانه بوده و در طبقات اول و دوم شامل فضاهای اداری، کتابخانه و بالکن‌های مشرف به گنبدخانه می‌باشد. عناصر اصلی طرح شامل گنبدخانه، شبستان و حیاط سرپوشیده بوده که در طبقه همکف طراحی شده‌اند. از میان عناصر اصلی

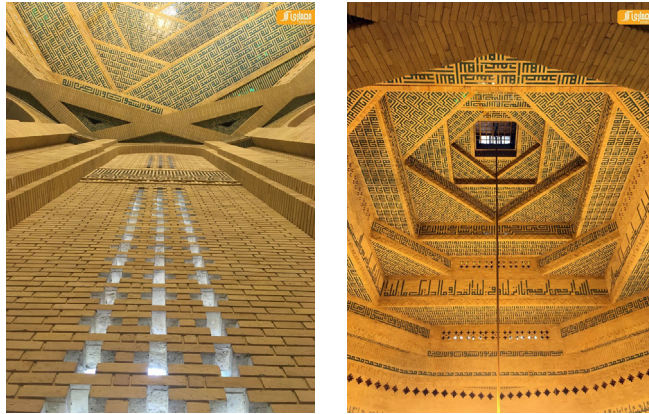
شکل ۳: پلان مسجد الغدير تهران



شکل ۴: تصاویر مسجد الغدير تهران



شکل ۵: سقف گنبدخانه در فضای داخلی مسجد الغدير تهران



طراحی شده است و ساختمان و فضاهای واقع در آن نیز در تعاملی همگن با محیط تشکیل یک کل را به عنوان مجموعه مذهبی- فرهنگی و تفریحی داده‌اند، به گونه‌ای که فضاهای این مسجد از یک جنس به نظر نمی‌رسند (شکل ۶ و ۷).

۲-۵- مسجدالرضا تهران

مسجدالرضا یکی از مساجد بزرگ تهران است که به دلیل فعالیت‌های گسترده و برنامه‌های فرهنگی و مذهبی به عنوان یکی از مساجد فعال و پرآوازه تهران محسوب می‌شود. مسجدالرضا مبتنی بر مبانی معماری معاصر

شکل ۶: پلان طبقه همکف و اول مسجدالرضا تهران



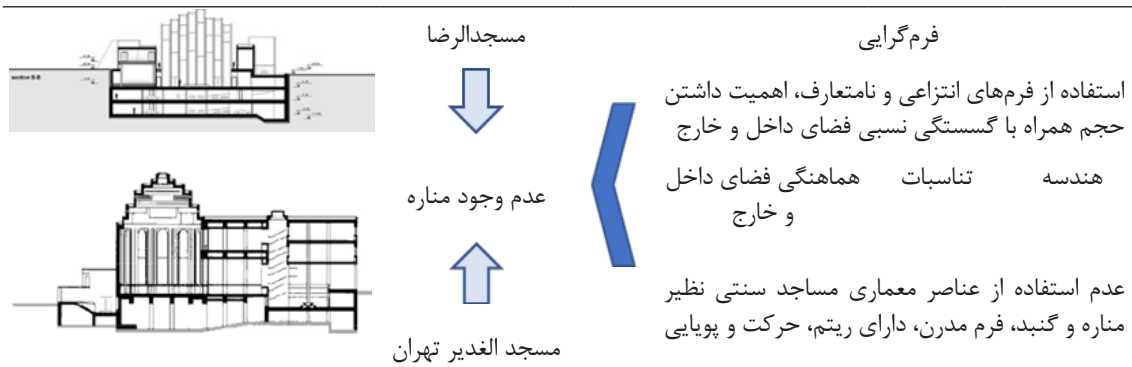
(www.Arel.ir)

شکل ۷: مسجدالرضا تهران



(www.Arel.ir)

## جدول ۱: دسته‌بندی فرمی مسجدالرضا و مسجد الغدير تهران



بنا، نتوانسته است میان خودآگاه انسان و ناخودآگاه او ارتباط نامحسوس ایجاد نماید، چرا که انسان، خصوصیات محیط را از طریق عناصر کالبدی دریافت و ادراک می‌کند و با بهره‌گیری از فرایندهای ذهنی از قبیل اعتقادات، ارزش‌های معنوی و فرهنگی، حواس پنجگانه، حافظه و تصویرسازی آن‌ها را درک می‌کند. بدین ترتیب فرایندهای ذهنی در محیط بیرونی این مسجد، سبب افزایش تعاملات معنادار بین انسان و محیط نشده و ادراک مفهوم محیط با توجه به حرکت بدن انسان در فضا صورت نگرفته است، این امر می‌تواند به این دلیل باشد که صحن و حیاط بیرونی این مسجد دارای ابعاد کوچکی است و از الگوهای فضایی در محیط بیرونی مساجد اسلامی بهره‌ای نبرده است، الگوهایی همچون (صحن گشاده و وسیع، ایوان، رواق، درآیگاه و غیره) تنها به واسطه عنصر میانی (حوض به شکل ستاره ایرانی)، خود را تشبیه به مسجد کرده است. زیرا حضور آب در حیاط مسجد به عنوان عنصری بهشتی و پاک که موجب تطهیر انسان از گناه می‌گردد، است. از این رو حضور زائر در فضای مسجد که نمایانگر ساختار کالبدی فضا همراه با کیفیتی متعادل از الگوها و نشانه‌های معنادار فضامندی در محیط بیرونی در راستای سیر به عالم سلوک و ایجاد حس آرامش در زائر است، رخ نداده است و این امر با توجه به عدم بهره‌مندی این مسجد از الگوهای شاخص مساجد ایرانی از جمله گنبد و مناره تشدید شده است.

در محیط بیرونی این مسجد، هیچ کدام از عناصر مادی نسبت به یکدیگر برتری ندارند و جملگی در کنار هم توانسته‌اند عالمی آرامش بخش را برای زائر فراهم نمایند تا بدین طریق زائر هنگام ورود به این مسجد در نخستین گام حضور در فضا، آماده سفر معنوی شود. لازم به ذکر است که معمار مسجد الغدير تهران در چشم انداز ابدی‌اش از زمان، موقعیتی را ایجاد نموده که مکانیت جاودانگی را در ذهن تداعی می‌کند. مسجد الغدير در جایی بنا شده است که برآیند نیروهای کیهانی و پایداری ساختارهای طبیعی در آن، عالم صغیری را مهیا می‌نماید و از این رو بعد زمان را کاهش می‌دهد و همه چیز را حول محور خود

## ۶. فضامندی در مسجد الغدير و مسجدالرضا تهران

هنگامی که زائری در مسجد الغدير و مسجدالرضا از تجربه‌ی خود از حضور در این مکان قدسی به عنوان «بستری جهت دسترسی به آرامش و ادراک معنوی محیط» سخن می‌گوید، قبل از بیان نوع ادراک وی از فضای مسجد می‌بایست بیان نمود که مولفه‌های مذکور از گمگشته‌های زندگی اجتماعی او می‌باشند. زیرا انسان‌ها با کوله‌باری از تجربیات زیسته اجتماعی و تحت تاثیر عوامل مذهبی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی وارد این چنین فضاهایی می‌شوند و همه این مولفه‌ها در چگونگی و کیفیت ادراک از فضا تأثیرگذار خواهند بود. حال از آن جایی که ادراک و فضامندی محیط بیرونی در مساجد، به واسطه انسان، از دو بخش ذهنی- درونی و فیزیکی- بیرونی تشکیل شده است، در این پژوهش فضامندی به واسطه ادراک فیزیکی انسان با توجه به بدن متحرک (تحت تاثیر اطلاعات فیزیکی)، بدن حسی (تحت تاثیر حواس پنجگانه‌ی انسان)، بدن شخصی (تحت تاثیر تجربیات فردی) و بدن اجتماعی (تحت تاثیر ارزش‌های معنوی و فرهنگی و اجتماعی) انجام گرفته است. فرآیند ادراک در مساجد و چگونگی به وقوع پیوستن ادراکات و فضامندی‌های محیطی در زائران، در درجه اول تحت تاثیر مجموعه‌ای از عوامل معنوی، تاریخی و اجتماعی است.

پروسه‌ی ادراک، فرآیندی تاریخی، پویا و وابسته به تجربه‌ی زیسته می‌باشد که همواره در حال دگرگونی در فضاهای مسجد الغدير است. حال آن چیزی که به نام کالبد و نقش آن در چگونگی ادراک و فضامندی از محیط بیرونی نقش اصلی را دارد، ناظر بر این اصل اساسی است که اصولاً همین واسطه نیز پدیده‌ای معنوی است که در محیط بیرونی این مسجد و به نوعی از طریق فرم و تزئینات همراه با متون و آیات قرآنی نوشته شده در نمای بیرونی این مسجد نمود پیدا کرده است.

از سوی دیگر ادراک کالبدی در این مسجد تحت تاثیر ویژگی‌های بستر طرح و همچنین نوع فرم و حجم این



عرفان به آخرین حد اعلا‌ی خود می‌رسد. حال از آن جایی که فضا‌مندی از محیط بیرونی مسجد الغدیر تهران اصولاً یک حادثه حسی مشمول حرکت است، از این رو گذر از محیط‌های این مسجد، فضا‌های گوناگونی را به زائر القاء می‌نماید. لذا در راستای تجلی مفهوم حرکت و ادراک فضا به واسطه آن، در این مسجد، به دلیل عدم بهره‌مندی از هندسه کشیده و طولی در راستای قبله که باعث پویایی مسجد می‌گردد و ناظر را وادار به انجام حرکت فیزیکی و قدم زدن در این مسیر می‌نماید و به وی کمک می‌کند تا در حین حرکت در محیط بیرونی مسجد، مؤلفه‌های پویایی حرکت فیزیکی را تبدیل به حرکت بصری کند، این ادراکات صورت نمی‌گیرد و زائر در بدو ورود اگر نیاز داشته باشد، تنها در حوض وضو گرفته و وارد فضای داخلی می‌شود. لذا ادراکات از محیط بیرونی که اصلی‌ترین مؤلفه در فضا‌مندی مساجد است، در این مسجد برای زائران رخ نمی‌دهد.

در مسجدالرضا تهران عواملی همچون سادگی بنا، عدم خضوع، عدم وجود مناره و گنبد، آجرکاری‌ها و حجم‌های مدرن و سازه‌های آجری به کار رفته جملگی عواملی هستند که هویت مذهبی این بنا را در مقابل جداره‌های ساده و مینیمال ساختمان‌های همجوار خدشه‌دار کرده‌اند. به همین جهت در مسجدالرضا تهران، به سرعت نمی‌توان دریافت این بنا یک مسجد است. در معماری مساجد سنتی همواره دو بخش اصلی را می‌توان از هم تشخیص داد؛ یک بخش شامل نمازخانه یا مصلا‌ی مسجد و دیگری صحن یا فضای باز مسجد. در مسجدالرضا تهران اگر چه این بخش‌ها به صورت ترکیبی معمول وجود دارند؛ ولیکن ترکیب فرم و ساختار آن‌ها مجموعه‌ای پیوسته را تداعی نمی‌کنند؛ بلکه به نحوی هر دو فضا در کنار هم به‌مثابه ترکیب‌های مدرن خلوص خود را حفظ کرده‌اند. اختلاف در ارتفاع، نوع حرکت و ریتم، مصالح، شکل و ابعاد همه انتزاع و خلوص فرم‌ها را تشدید می‌کند. به علاوه استفاده از شیشه دو جداره و سقف‌های شیب‌دار در اطراف صحن، علاوه بر این که معنی متفاوتی از ارتباط صحن مسجد را با بیرون نشان می‌دهند؛ خود تصور فضایی این مکان را به یک فضای یک‌دست‌شده‌ی مدرن نزدیک می‌کنند. ضمن آن که این مسجد فاقد گنبد و مناره نیز است و به همین دلیل نتوانسته است با ادراکات زائرین، ارتباطی برقرار نماید. زیرا اولین ارتباط بناهای قدسی بالاخص مساجد با زائران از طریق نشانه‌های شاخصی همچون گنبد و مناره صورت می‌گیرد. سپس زائر با استفاده از پیشینه‌های ذهنی‌اش پیرامون ارزش‌های معنوی و اعتقادات به ایجاد ارتباط میان حواس پنجگانه خود با محیط می‌پردازد و کیفیت محیطی را مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد و فرآیندهای ذهنی‌اش را شکل می‌دهد. بر این اساس فرآیندهای ذهنی در محیط بیرونی مسجدالرضا تهران، تنها به واسطه عدم برخورداری این مسجد از گنبد و

سازماندهی می‌نماید. همچنین از آن جایی که مسجد جای ایستا و سکون می‌باشد، چرخش حجمی این مسجد، این امر را بر هم زده است. ضمن آن که در این مسجد، ترکیب خردمندان و هنرمندان کاشیکاری با رنگ آبی فیروزه‌ای و آجر در نمای بیرونی، تمثیلی شاعرانه از پیوند آسمان و زمین را ایجاد نموده است که بیانگر اتصال روح زائر به عالم عرفان و سلوک می‌باشد و توانسته است از خاک به افلاک نائل شود.

فضا‌مندی در این مسجد ضرورتاً چند حسی است. کالبد این مسجد (بالأخص فرم)، به نحوی ساخته و پرداخته شده که حواس پنجگانه زائران را درگیر خودش می‌نماید. حس بصری در مسجد الغدیر با توجه به عناصر مادی موجود در فضا، پویا است و همواره در ذات پویای خود به دنبال اکتشاف است و هر عنصر و جزئی از این مسجد، چشمان زائران را جهت درک مفهوم نهفته در خود، به خود جذب می‌نماید. در مسجد الغدیر تهران، تناسبات کالبدی، ایجاد محیطی انسانی و متواضع را خدشه‌دار کرده است و در محیط بیرونی این مسجد، انسان به واسطه حضور و قدم زدن در فضا به ادراک فضا‌مندی این مسجد حول عناصر کالبدی‌اش می‌پردازد، زیرا انسان جهان را با ساختمان و وجود کالبدی‌اش درک می‌کند و از این رو جهان تجربی حول کالبد سازماندهی و تعریف و معنا پیدا می‌کند. در واقع جهان تجربی انسان‌ها، واجد دو کانون همزمان کالبد فضای اطراف و ذهنیات انسان است. معمار مسجد الغدیر تهران سادگی، تک‌رنگی و بی‌آلایشی بنا را به طور عامیانه، نمادی از شریعت ناب اسلام می‌داند و از این رو از این خصوصیت در محیط بیرونی مسجد استفاده نموده است تا زائر با حضور در فضای بیرونی‌اش، تنها به ارتباط با حق باری‌تعالی بپردازد و تزئینات ذهن او را درگیر نکند. در این مسجد عدم تنوع مصالح و مواجهه انسان از ورودی تا صحن و سپس از صحن تا ورودی فضای داخلی، منجر به بهبود ادراکات حسی - محیطی زائران از مسجد و فضا‌مندی آن شده است. در تحلیل این مسجد به انکای ادراکات فضا‌مندی، حضور زائر در فضای مسجد، به مشام رسیدن بوی نم آب همراه با وزیدن بادی مطلوب، در هماهنگی با ادراکات حسی از فضای صحن مسجد، عالمی خیال‌انگیز و توصیف‌ناپذیر را ایجاد نموده است. این در حالی است که محیط بیرونی این مسجد، به واسطه عناصر کالبدی (فرم، ارتفاع‌گرایی و مصالح) در جهت بهبود کیفیت محیط بیرونی و سیر به عالم عرفان پرداخته نشده است و از این رو برای زائر بازنمایی محیط عرفانی را به همراه ندارد. هنگام گذر از حیاط این مسجد که خالی بودنش از گیاهان، پیوند میان معرفت و عبادت را با فهم کیهانی بهبود می‌بخشد، به داخل ایوان‌ها و سپس شبستان‌های این مسجد، ادراک حس عرفان بیش‌تر شده و در محیط داخلی شبستان به دلیل ارتفاع‌گرایی، گذر از روشنایی به تاریکی این حس

کالبدی، ایجاد محیطی انسانی و متواضع را خدشه‌دار کرده است و در محیط بیرونی این مسجد، انسان به واسطه حضور و قدم زدن در فضا به ادراک فضا‌مندی این مسجد حول عناصر کالبدی‌اش می‌پردازد، زیرا انسان جهان را با ساختمان و وجود کالبدی‌اش درک می‌کند و از این رو جهان تجربی حول کالبد سازماندهی و تعریف و معنا پیدا می‌کند. در تحلیل این مسجد به اتکای ادراکات فضا‌مندی، حضور زائر در فضای مسجد، به مشام رسیدن بوی نم آب همراه با وزیدن بادی مطلوب، در هماهنگی با ادراکات حسی از فضای صحن مسجد، عالمی خیال‌انگیز و توصیف‌ناپذیر را ایجاد نموده است. در این مسجد، به دلیل نوع هندسه که باعث پویایی مسجد شده است و همچنین وجود عناصر بصری و فیزیکی متعددی در فضای صحن و حیاط، زائران وادار به انجام حرکت فیزیکی و قدم زدن این مسجد می‌شوند و در حین حرکت در محیط بیرونی مسجد، مؤلفه‌های پویایی حرکت فیزیکی را تبدیل به حرکت بصری می‌کنند و ادراکات فضا‌مندی از محیط بیرونی شکل می‌گیرد.

مناره، موجب ارتباط معنا‌دار بین انسان و محیط نمی‌شود. در این مسجد نیز همچون مسجد الغدیر تهران، حضور زائر در محیط بیرونی مسجد که نمایانگر ساختار کالبدی فضا همراه با کیفیتی متعادل از الگوها و نشانه‌های معنا‌دار فضا‌مندی در محیط بیرونی در راستای سیر به عالم سلوک و ایجاد حس آرامش در زائر است، رخ نداده است و این امر با توجه به عدم بهره‌مندی این مسجد از الگوهای شاخص مساجد ایرانی از جمله گنبد و مناره تشدید شده است. در این مسجد، ترکیب خردمندانه و هنرمندانه آجر و شیشه در نمای بیرونی، ارتباط و پیوند میان زمین و آسمان و زمین را که بیانگر اتصال روح زائر به عالم عرفان و سلوک در بناهای قدسی گذشته بود، بر هم زده است. لازم به ذکر است که کالبد این مسجد (فرم و مصالح)، به نحوی برپا گشته است که حواس پنجگانه زائران را درگیر خودش می‌نماید. حس بصری در مسجدرضا با توجه به عناصر مادی موجود در فضا، پویا است و همواره در ذات پویای خود به دنبال اکتشاف است و هر عنصر و جزئی از این مسجد، چشمان زائران را جهت درک مفهوم نهفته در خود، به خود جذب می‌نمایند. در این مسجد، تناسبات

جدول ۲: فضا‌مندی در محیط بیرونی مسجد الغدیر و مسجدرضا تهران

اصول	مسجد الغدیر تهران	مسجدرضا تهران
معمار مسلمان	*	*
سادگی و شاخص بودن	*	-
نوآوری و ابتکار	*	*
خوانایی	*	*
عدم استفاده از فرم و نشانه‌های بیگانه	*	*
کثرت و وحدت	*	*
دعوت‌گری	-	*
عدالت در ارزش‌گذاری فضا	-	-
زمینه‌ساز برای تفکر	-	-
سکون	-	-
جهت‌مندی	-	-
سیر از ظاهر به باطن	-	-
وحدت	-	-

فضا‌مندی در محیط بیرونی و داخلی مساجد منتخب

شکل ۸: مدل مفهومی منتج از ادراکات مشترک زائرین از مساجد الغدير و الرضا تهران



## ۷. نتیجه‌گیری

خلق فضای قدسی همچون گذشته، در دوران معاصر اصلی‌ترین دغدغه‌ی معماران متعهد است، و معماران به دنبال تحقق این امر همسو با فضامندی و ادراکات محیط بیرونی فضاهای قدسی به واسطه عناصر مادی‌شان می‌باشند. از این رو می‌بایست اذعان نمود که اصلی‌ترین بناهای قدسی در ایران، مساجد هستند که کاملاً توسط عناصر کالبدی‌شان می‌توانند ادراکات حسی زائران تغییر دهند.

فضامندی در مسجد الغدير و مسجد الرضا تهران بر اساس عناصر فیزیکی واقع در محیط بیرونی و داخلی، نمادها، فرم و حضور انسان در این فضا، همسو و هم‌اندازه با مجسم نمودن امر مادی می‌باشد و متناسب با حرکت و پویایی در محیط همراه با ادراکات حسی ایجاد می‌شود. لذا این روند در مسجد الغدير، تحت تاثیر عوامل محیطی و اجتماعی، به شکل ادراکات کالبدی-ذهنی می‌باشد. فضامندی از محیط بیرونی مسجد الغدير تهران بر اساس حرکت در محیط ایجاد می‌شود و عبور از فضاهای متفاوت این مسجد، ادراکات مختلفی را در زائرین رقم می‌زند. بر این اساس حرکت نمودن زائر در فضاهای این مسجد و ادراکاتش با توجه به هندسه چند ضلعی و عدم قرارگیری‌اش در

راستای قبله، موجب عدم حرکت فیزیکی زائر در فضاها می‌گردد. از این رو زائر، نمی‌تواند حرکت فیزیکی‌اش را به حرکت بصری بدل نماید. هنگامی که وارد مسجد الغدير می‌شویم، از همان ابتدا به فضایی روشن وارد می‌شویم و سیر از تاریکی به سمت روشنایی که در مساجد تاریخی با بدو ورود به مسجد رخ می‌داد، صورت نمی‌گیرد. در مسجد الغدير تهران، زائر با فضایی محدود درگیر است که حرکت به دور کانون قدسی یا همان قبله انجام نمی‌شود و وی در هیچ لحظه‌ای از حرکت در فضا، تجربه‌ی نوینی از حرکت در فضا را حس نمی‌کند. از این رو این مسجد هم به لحاظ فرم آشفته‌اش و هم به لحاظ عدم استفاده از گنبد و مناره و نوع ادراکات مخاطب از محیط بیرونی‌اش، شباهتی به مساجد تاریخی ایران ندارد.

در مسجد الرضا تهران فرم و مصالح، به نحوی برپا گشته است که حواس پنجگانه زائران را درگیر خودش می‌نماید. حس بصری در این مسجد بر اساس کالبد و مصالح محیطی بیرونی و داخلی، برای زائرین به شکل پویا می‌باشد که در خود به دنبال اکتشاف معانی و مضامین قدسی است. در این مسجد، هر جزء و عنصری موجب حرکت بصری زائران در جهت ادراکات معانی عرفانی می‌گردد. تناسب کالبدی این مسجد، در تشکل فضایی با مقیاس انسانی

چه از منظر تطهیرکنندگی و چه به مثابه عنصر معنادار در فضا که می‌تواند حواس پنجگانه زائرین را درگیر کند و ذهنیت آن‌ها را نسبت به مکان تعالی دهد.

۳. خلق سلسله‌مراتبی از موقعیت‌های حضور به مثابه منازل سفر که در هر مرحله، فضاهای داخلی و خارجی مساجد، داستان منحصر به فردی را روایت و اذهان افراد را درگیر کند. در این زمینه، توجه به محورهای افقی و عمودی ارتباط با بنا و آسمان یکی از اصولی است که در بناهای قدسی همواره مورد توجه بوده است.

۴. پرهیز از برداشت‌های سطحی، فرمال و صوری از عناصر معماری در طراحی‌های امروز.

۵. توجه به مفاهیم و ارزش‌های معنوی و حکمی نشانه‌های موجود در هر یک از فضاهای بناهای قدسی گذشته ایران. ۶. استفاده از نگاه معناگرایی قدسی و عرفانی در جهت متبلور ساختن معانی نهفته در عناصر کالبدی بناهای قدسی ایران.

۷. بهره‌مندی از هویت تاریخی معماری ایرانی در بناهای قدسی معاصر همراه با بازتولید معماری گذشته در بستر امروز.

۸. نمادها، معانی ماورای خود را در عالم محسوسات بازتاب می‌دهند؛ فهم آن معانی مشروط به وجود شرایط درک آن در مخاطب است که در بناهای امروزی بدان کم توجهی شده است.

۹. استفاده از تنوع حضورپذیری عناصر طبیعت در فضاها موجب سیر تکمیلی و تکاملی متأثر از دیدگاه قدسی نسبت به فضا می‌شود، اصلی که در بناهای امروزی مورد توجه قرار نگرفته است.

۱۰. ایجاد نظم سلسله‌مراتبی در چیدمان عناصر کارکردی و عملکردی فضای بیرونی و داخلی بناهای قدسی در جهت بهبود و تنوع کیفیت ادراکی فضاها توسط انسان.

همراه با برخورداری از حالت تواضع انسانی جا مانده است. این در حالی است که در فضای بیرونی این مسجد، زائرین با حضور و قدم زدن، به ادراکات فضامندی بر اساس عناصر کالبدی، همچون مصالح، رنگ، نور و غیره پرداخته‌اند. در این مسجد تنوع مصالح و مواجهه انسان از ورودی تا صحن و سپس از صحن تا ورودی فضای داخلی، منجر به بهبود ادراکات حسی - محیطی زائران از مسجد و فضامندی آن شده است. محیط بیرونی این مسجد، به دلیل نوع فرم و مصالح به کار رفته، در جهت بهبود ادراکات زائران از محیط بیرونی و سیر به عالم عرفان ساخته نشده است و از این رو برای زائر همچون مسجد الغدیر تهران، بازنمایی محیط عرفانی را به همراه ندارد. بنابراین در مسجد الغدیر تهران و مسجدالرضا تهران، هندسه و حجم‌گرایی اهمیت بیش‌تری را نسبت به قبله در جهت سازماندهی فضایی محیط بیرونی دارند و لذا با حضور در این مساجد، مفهوم سرمدیت و ازلیت به زائران القاء نمی‌شود. با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان اذعان نمود که مسجد الغدیر و الرضای تهران به واسطه عناصر کالبدی در محیط بیرونی و فضامندی‌هایشان، نمی‌توانند آرامش خیالی که مساجد تاریخی به واسطه همین مولفه‌ها به زائران القاء می‌نمودند، القاء نمایند.

از این رو می‌توان راهکارهای عملیاتی زیر را در جهت فضامندی در بناهای قدسی (مساجد) ایران مبتنی بر ارزش‌ها و جهان‌بینی ایرانی - اسلامی در دوران کنونی آموخت:

۱. خلق موقعیت‌های حضورپذیر با مقیاس انسانی که زمینه‌ی بودن افراد در فضا را فراهم و منجر به شکل‌گیری خاطرات در ذهن ایشان می‌شود. این امر موجب احساس یگانگی با فضا در افراد و هویت‌مندی آنان می‌شود. کیفیتی که در پروژه‌های معاصر مورد بی‌توجهی است.

۲. توجه به نقش نمادین عناصر و مولفه‌های قدسی در فضا

شکل ۹: مدل استخراجی نتایج مستخرج از پژوهش



## تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

## تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

## پی‌نوشت

1. Tschumi
2. David Letterborough
3. Anderson

## فهرست منابع

- Abdollahi Molaei, Shahrokh. 2015. A survey of Islamic architectural decorations (case study: Goharshad Mosque of Mashhad). *Iranian-Islamic Architecture and Urban Planning National Conference*. Rasht, Payam Nour University, Gilan Province. [https://doi.org/NCIIAU01\\_279](https://doi.org/NCIIAU01_279) [in Persian]
- Ahmadi Maleki, Rahman. 2005. *Symbolic forms and roles in mosques of Iran, art and architecture of the mosque, by the efforts of the Secretariat of the Supreme Headquarters for Coordination and Supervision of Cultural and Artistic Centers of Mosques*. Tehran: Publishing House. [in Persian]
- Anderson, Stephen. 2001. *Seductive Interaction Design: Creating Playful, Fun, and Effective User Experiences*. Berkeley, CA: New Riders.
- Ardalan, Nader, and Laleh Bakhtiar. 2017. *A sense of unity: a mystical tradition in Iranian architecture*. Translated by Shahrokh, 6th edition, Isfahan Publications: Khak. [in Persian]
- Avini, Seyed Mohammad. 1991. *Immortality and Art*. first edition. Bargh Publications. [in Persian]
- Beheshti, Seyed Mohammad. 2010. *Iranian mosque, the place of ascension of believers*. Tehran: Rozeneh. [in Persian]
- Bokharayi, Saleheh. 2015. Spatiality: aspects, limits and influencing factors. *Journal of Sofa* 25(69): 5-18. <https://doi.org/20.1001.1.1683870.1394.25.2.1.9> [in Persian]
- Burckhardt, Titus. 2017. *The sacred art of principles and methods*. Translated by: Jalal Sattari. Tehran: Soroush. [in Persian]
- Casey, Edward. 2012. *Remembering: A Phenomenological Study*. Bloomington: Indiana University Press.
- Dadfar, Payam, Leili Karimifard, and Fariborz Dolatabadi. 2020. Explaining the effect of the spatial experience of mosques on psychological recovery (case study of Goharshad mosque). *Journal of Great Khorasan* (38): 1-16. <https://doi.org/20.1001.1.22516131.1399.10.38.1.1> [in Persian]
- Diller, Steve, Nathan Shedroff, and Darrel Rhea. 2005. *Making Meaning: How Successful Businesses Deliver Meaningful Customer Experiences*. Berkeley, CA: New Riders.
- Dori, Ali, and Gholamreza Talischi. 2018. The limitlessness and infinity of the spatial structure of Islamic architecture in Iran in Safavid era mosques (case study: Mosque of Sheikh Lotfolah and Imam of Isfahan). *Journal of Islamic Architecture Research* 6(19): 19-38. <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1009-fa.html> [in Persian]
- Elyadeh, Mohsen. 2014. *Symbolization of sacredness and arts*. Translated by Mani Salehi Allameh. 1st edition. Tehran: Niloufer Publications. [in Persian]
- Faghfuri, Robab, and Hassan Bolkhari Ghahi. 2015. A comparative study of the theme of Goharshad Mosque inscriptions and Shia religious foundations in the Timurid and Safavid periods. *Journal of Nagareh* (35): 4-17. <https://doi.org/10.22070/NEGAREH.2015.251> [in Persian]
- Farahvashi, Bahman. 2001. Neglect of space in architecture. *Journal of The Architect* (5): 71-82. [in Persian]
- Goleštani, Saeed, Eisa Hojat, and Mahdi Sadvandi. 2017. A research on the concept of continuity of space and the process of its evolution in mosques of Iran. *Fine arts magazine* 22(4): 29-44. <https://doi.org/JFAUP.2018.65695> [in Persian]
- Mehdi Nejad, Jamalodin, and Partners. 2018. Comparative study of the pathology of mosque design criteria based on spatial organization (case example: contemporary, modern traditional mosques). *Journal of Iranian Islamic City* (31): 63-74. [in Persian]
- Mehrpouya, Hassan. 2008. The distinction between religious art and sacred art in the opinions of thinkers. *Journal of The path of art* (Pre-number 6). [in Persian]
- Mohammadi, Alireza, and Ebrahim Firouzi Majandeh. 2016. Spatial analysis of the mosque in Ardabil city in the contemporary period. *Journal of Urban Studies* (17): 55-66. [https://urbstudies.uok.ac.ir/article\\_16024.html](https://urbstudies.uok.ac.ir/article_16024.html) [in Persian]
- Nasr, Seyed Hassan. 2015. *Islamic art and spirituality*. Translated by Rahim Ghasemian. Third edition. Tehran: Office of Religious Studies. [in Persian]
- Nodder, Chris. 2013. *Evil by Design: Interaction Design to Lead Us into Temptation*. John Wiley & Sons, Indianapolis.
- Norman, Don. 1989. *The psychology of Everyday Things*. New York: Basic.
- Nowrouz Borazjani, Vida. 2018. *Qualitative research methodology*. Tehran: Yadavaran. [in Persian]
- Razavipour, Maryam Sadat, Mohammad Mehdi Zakeri, and Ehsan Ejbari. 2012. Iranian-Islamic identity of Tehran over time. *Journal of National Studies* 13(3): 133-147. <https://ensani.ir/fa/article/482295/> [in Persian]
- Sattari, Jalal. 2015. *Myth and code in the thought of Mircha Eliadeh*. Translated by Jalal Sattari. fifth edition. Tehran: Neshr markaz. [in Persian]
- Sayad, Amirhossein, Afra Gharibpour, and Mahsa Delshad Siahkali. 2019. Spatiality and the body of conscious-

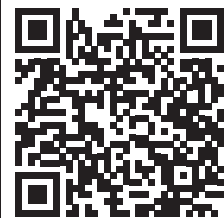
- ness: Rereading the concept of space in the architectural experience, a case study: Tehran Museum of Contemporary Arts. *Journal of Bagh Nazar* 16(75): 71-82. <https://doi.org/10.22034/BAGH.2019.190727.4172> [in Persian]
- Shedroff, Nathan. 2009. *Experience Design 1.1: a Manifesto for the Design of Experiences*. New Riders, Indianapolis
  - Sohangir, Sara, and Mohammadreza Nasir Salami, 2014. Patterns of space creation in architecture based on post-modern theoretical paradigm. *Journal of Bagh Nazar* 11(28): 65-78. [https://www.bagh-sj.com/article\\_4866.html](https://www.bagh-sj.com/article_4866.html) [in Persian]
  - Soltani, Mehrdad, Seyed Amir Mansouri and Ahmad Ali Farzin. 2012. Adapting the role of pattern and experience based concepts in architectural space. *Journal of Bagh Nazar* 9(21): 3-14. [https://www.bagh-sj.com/article\\_1698.html](https://www.bagh-sj.com/article_1698.html) [in Persian]
  - Tschumi, Bernard. 2012. *Events: The Turning Point in Architecture Concepts: Red is Not a Color*. New York: Rizzoli.
  - Weinschenk, Susan. 2011. *100 Things Every Designer Needs to Know about People*. Berkeley, CA: New Riders.
  - Zarghami, Esmaeil, and Seyed Mohammad Behrouz. 2015. The role and concept of "space" in re-creating the theory of architecture and social sciences. *Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities* 7(2): 81-99. <https://ensani.ir/fa/article/366223> [in Persian]

## نحوه ارجاع به این مقاله

مشهدی، علی. ۱۴۰۲. تبیین فضا‌مندی در بناهای قدسی ایران، نگرشی به محیط داخلی و بیرونی مساجد معاصر، مورد مطالعاتی: مسجدالرضا و مسجد الغدیر تهران. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۶(۴۳): ۱۱۷-۱۳۱.

DOI: 10.22034/AAUD.2023.337109.2648

URL: [https://www.armanshahrjournal.com/article\\_177082.html](https://www.armanshahrjournal.com/article_177082.html)



## COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



